

بررسی و مقایسه‌ی عدالت^۱ بین زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض

محمود بهمنی^۲

مرکز خدمات مشاوره و روان‌شناختی، مؤسسه‌ی آموزش عالی پارس شهر مهر (استان فارس)

سید رضا فلاح‌چای

دانشیار، گروه مشاوره و روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان

اقبال زارعی

دانشیار، گروه مشاوره و روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان

پذیرش مقاله: ۹۰/۱۱/۲۴

دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱۸

چکیده

زمینه و هدف: براساس فرض‌های نظریه‌ی برابری، روابط شکل داد و ستدی دارد و افراد وقتی هزینه‌های بیش‌تری را متحمل و سودهای کمتری را نسبت به چیزی که مستحق آن بوده‌اند، دریافت کنند، دچار ناراضی‌تی و پریشانی در روابط خود می‌شوند. این پژوهش به بررسی و مقایسه‌ی عدالت در بین زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض می‌پردازد.

روش: این پژوهش توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه‌ی این پژوهش را زوجین مراجعه‌کننده به کلینک‌های مشاوره و همچنین زوجین شرکت‌کننده در کارگاه‌های آموزش خانواده اداره بهزیستی شهر بندرعباس تشکیل دادند و نمونه آن، ۱۰۰ زوج (۵۰ زوج رضایت‌مند و ۵۰ زوج دارای تعارض) را که به صورت روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند شامل می‌شود. زوجین شرکت‌کننده به پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی هودسن و نیز پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته عدالت زناشویی پاسخ داده‌اند. روایی و پایایی هر دو پرسشنامه رضایت‌بخش بوده، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های اصلی پژوهش نشان داد که در میزان عدالت و مولفه‌های آن تفاوت معناداری بین زوجین رضایت‌مند و زوجین دارای تعارض وجود دارد. علاوه بر آن در عدالت و همه مولفه‌های آن به جز مولفه‌ی توجه به نیازهای یکدیگر، تفاوت معناداری بین زن و مرد یافت شده است و زنان ناعدالتی بیش‌تری را در روابط خود احساس می‌کنند.

نتیجه‌گیری: در ایران شاهد تغییراتی در ساختار خانواده، همچون تغییر در الگوهای تقسیم مسؤلیت و قدرت و افزایش تساوی‌گرایی در زنان بوده‌ایم، اما هنوز باورهای جنسیتی در مورد نقش زنان در خانواده، تغییر مشابه و همراستایی نداشته‌اند. این عامل موجب ایجاد احساس ناعدالتی و به تبع آن ناراضی‌تی در زوجین خصوصاً زنان شده است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، مسؤلیت‌های خانواده، قدرت زناشویی، زوجین

۱- در ادبیات مدیریت Equity theory را «نظریه‌ی برابری» ترجمه می‌کنند، ولی این ترجمه صحیح نیست. در زبان انگلیسی و به خصوص در ادبیات عدالت سازمانی با دو واژه متمایز Equality و Equity مواجه هستیم؛ Equality به معنای «تساوی» و داشتن ارزش برابر در بعد ریاضی و دقیق آن می‌باشد، در حالی که Equity به معنی انصاف، عدالت و عدم تبعیض است (Concise Oxford English Dictionary, 2004).

۲- آدرس نویسنده‌ی مسؤول: مرکز مشاوره خدمات روانشناختی، مؤسسه آموزش عالی پارس، شهر مهر، فارس. تلفکس: ۰۷۸۲)۶۵۲۳۲۰۰

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از مهم‌ترین پدیده‌های زندگی است که می‌تواند موجبات رشد و شکوفایی توانایی‌های و هم‌چنین تأمین نیازهای مختلف انسان و به دنبال آن آرامش روانی را فراهم آورد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸). با وجود اهمیت و کارکردهای مهم ازدواج، پدیده‌ایی که همواره باید مورد توجه قرار گیرد، بروز کشمکش و تعارض به عنوان جزء جدانشدنی و همیشگی در ازدواج و روابط زناشویی است که اگر زوجین نتوانند آن را به خوبی حل کنند آثار مخربی برای زوجین و فرزندان در خانواده به همراه می‌آورد (ثنایی ذاکر، ۱۳۷۵). در این راستا محققان در تحقیقات خود، به ارتباط میان تعارض زناشویی و متغیرهای گوناگونی از جمله: اختلال در خوردن (رسولی و همکاران، ۱۳۸۷)؛ بیماری‌های جسمی و روانی (شملینگ^۱ و شر^۲، ۱۹۹۷)؛ طلاق و الکلیسم در مردان (اوفارل و دیگران^۳، ۱۹۹۱)؛ احتمال افزایش طلاق و آثار مخرب آن (دیویس^۴ و کامینگ^۵، ۱۹۹۴) پی برده‌اند. تعارض زناشویی، هم‌چنین با بعضی از کارکردهای خانواده از قبیل تربیت ضعیف (ایرل^۶ و برمن^۷، ۱۹۹۵) و کاهش سازگاری فرزندان (گریچ^۸ و فینکم^۹، ۱۹۹۰) ارتباط نشان داده است. از دیدگاه نظری می‌توان گفت که ساختار خانواده و به تبع آن منابع تعارض، تحت تاثیر مراحل مختلف تحولی در خانواده و تاثیرات و تغییرات مختلف اجتماعی دچار تغییر می‌شود (فربد، ۱۳۸۱). امروزه تغییرات مختلف اجتماعی، خانواده و روابط زناشویی را دچار تغییراتی کرده است. برای مثال در گذشته‌ایی نه چندان دور در خانواده الگوهای نقش جنسیتی پر رنگ بودند یعنی اینکه مردها مسؤولیت کارهای بیرون و زن‌ها کارهای درون خانه را برعهده داشتند. هم‌چنین زنان از قدرت اندکی در جامعه و خانواده برخوردار بوده جامعه و خانواده شکل مردسالار به خود داشته است (آصف‌زاده، ۱۳۸۵). ولی امروزه از طرفی مشکلات اقتصادی و تغییر در انتظارات خانواده‌ها، درآمد بیشتر را برای خانواده‌ها ضروری ساخته است و از طرفی زنان علاقه‌مندی بیش‌تری به شکوفایی و رشد توانمندی‌ها و علایق خود در بیرون از خانه پیدا کرده‌اند که خود باعث افزایش حضور آن‌ها در مجامع علمی و بازار کار شده است (نظری، ۱۳۸۷).

1. Schmalig, K. B

2. Sher, T. G

3. eeeeeeeet all

4. Davies, P. T

5. Cummings, E. M

6. Erel, O

7. Berrman, G

8. Grych, J. H

9. Finkum, T.

این تغییرات نیز از نگاه آمار کاملاً مشهود است به طوری که آمار زنان شاغل و به تبع آن زنان تحصیل کرده در ایران، از ۸/۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۷/۵ درصد در سال ۸۹ افزایش یافته است (مرکز آمار و اطلاعات زنان، ۱۳۸۹). با توجه به این تغییرات ضرورت چنین پژوهش از آن جا آغاز می‌شود که امروزه الگوهایی از جمله تقسیم مسؤولیت‌ها، تقسیم منافع و قدرت در خانواده و روابط زناشویی تغییر کرده ولی با این وجود، تغییرات مشابهی در ساختار خانواده و باورهای جنسیتی در مورد تقسیم قدرت و مسؤولیت‌ها در خانواده به وجود نیامده است که این خود باعث ایجاد نارضایتی در بین زوجین خصوصاً زنان شده است (وبستر^۱ و رایس^۲، ۱۹۹۶).

نظریه برابری یکی از نظریاتی است که از حوزه این تغییرات به تبیین تعارضات و نارضایتی زوجین می‌پردازد. این نظریه ابتدا در علم اقتصاد بعدها توسط والستر و همکارانش^۳ (۱۹۷۵) در جامعه‌شناسی و روانشناسی مورد استفاده قرار گرفتند. نظریه‌ی برابری بر این اعتقاد است که روابط افراد بر پایه‌ی محاسبه‌های هزینه و سود (دریافتی)^۴ دور می‌زند (هاتفیلد و رایسون، ۲۰۱۱)، یعنی افراد با مهم دانستن مقدار هزینه (درون‌گذاشت) هایی که در روابط متحمل و سود (دریافتی) هایی که در روابط متقابل خود به دست می‌آورند به بررسی مقدار تناسب این دو خواهند پرداخت. هزینه‌ها در حقیقت مقدار سودهایی است که هر کدام برای دیگری داشته و فعالیتی که هر زوج برای جلب رضایت دیگری و بالا بردن کیفیت رابطه طرفین انجام می‌دهند و سودها نیز مقدار منافع و جنبه‌های مثبتی است که فرد از زوج دیگری در رابطه می‌تواند به دست آورد که از جمله می‌توان به مشارکت دادن در تصمیم‌گیری، آزادی در پرداختن به فعالیت‌های مورد علاقه، توجه به نیازهای فرد، مشارکت در فعالیت‌های درون خانگی و هر چیز دیگری که برای فرد رضایت بخش باشد اشاره نمود.

براساس نظریه برابری، افراد به علت خودخواهی در روابط خود به دنبال کاهش هزینه‌ها و افزایش سودهایشان (دریافتی مثبت) می‌باشند (ثیبولت و کلی، ۱۹۵۹). به علاوه، این نظریه فرض گرفته است، با این وجود که افراد افزایش سودها را در روابط خود خواستارند، ولی به تعادل در سودها و هزینه‌ها نیز تمایل دارند (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۰۹). به همین دلیل می‌توان چنین فرض کرد که افراد اگر بتوانند فعالیت‌های خود را با دیگری کم یا مساوی کنند و هم چنین منافع بیشتر و مساوی در رابطه‌ی خود به دست آورند احساس رضایت‌بخشی پیدا کرده، بالعکس اگر فعالیت بیشتر و منافع کمتری داشته و بدست آورند دچار پریشانی و نارضایتی در رابطه‌ی خود خواهند شد (سویچر^۵، ۱۹۹۱).

1. Webster, C

2. Rice. S

3. Walster et al

4. Cost and Reward

5. Suitor J. J

در این نظریه وقتی افراد هزینه‌ها و سودهای متناسب یا نسبتاً متعادلی را در رابطه‌ی خود ارائه و دریافت کنند، نسبت به رابطه‌ی خود احساس عدالت می‌کنند. اما وقتی احساس کنند سود بیش‌تری دریافت و هزینه کمتری ارائه کرده‌اند یا به عبارتی چیزی بیش‌تر از حق خود دریافت کرده‌اند، احساس سودبری^۱ از شریک رابطه خود دارند و اگر سود کمتری دریافت و هزینه‌ی بیش‌تری ارائه کرده‌اند یا به عبارتی چیزی کمتر از حق خود دریافت کرده‌اند، احساس ضررده‌ی^۲ نسبت به شریک رابطه دارند. افراد به دوشکل در روابط خود دچار نارضایتی و پریشانی می‌شوند. یکی احساس ضررده‌ی و دیگری احساس سودبری که تعارض و پریشانی ایجاد شده در روابط ضررده بیشتر از روابط سودبخش است (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۱۱). نظریه قدرت نیز به بررسی مقدار سهم هر یک از افراد در تصمیمات مشترک (تصمیم در مورد خرید، موقعیت‌های شغلی، تحصیلی و ...) می‌پردازد و در چهار چوب نظریه‌ی برابری فرض بر این است که افراد در روابطی که احساس کنند قدرت (سهم فرد در تصمیم‌گیری) به شکل ناعادلانه‌ایی تقسیم شده است احساس نارضایتی می‌کنند (پیمنتال، ۲۰۰۰).

محققان زیادی در تحقیقات خود بین عدالت و رضایت زناشویی (گرینستین^۳، ۲۰۰۹، آسوده و همکاران^۴، ۲۰۱۰) و مؤلفه‌های مرتبط با رضایت زناشویی از جمله شادکامی زناشویی (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۲؛ دیو^۵ و یلکوکس^۶، ۲۰۱۱)؛ کیفیت زناشویی (پینا^۷ و بنگستون^۸، ۱۹۹۳)؛ تعهد زناشویی (سباتلی^۹ و پیگو^{۱۰}، ۱۹۸۵)؛ پایداری زناشویی (آنته و همکاران^{۱۱}، ۱۹۸۴؛ هس و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۹)؛ صمیمیت زناشویی (لارسون و همکاران^{۱۳}، ۱۹۹۸)، ارتباط یافتند. عده‌ای نیز بین احساس ناعدالتی در روابط و متغیرهایی از جمله احتمال افزایش طلاق (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۲)؛ افسردگی بیش‌تر در زنان (اسچفر^{۱۴}، ۱۹۸۰)؛ خشونت خانوادگی (برایانت^{۱۵}، ۲۰۰۱)؛ کاهش به کارگیری راهبردهای ننگه دارنده‌ی رابطه و عدم اعتماد زناشویی (دایتون^{۱۶}، ۲۰۰۳) ارتباط یافته‌اند.

1. Over- Benefited
2. Under- Benefited
3. Greenstein, T
4. Asoodeh. M. H et al
5. Dew. J
6. Wilcox, W. B
7. Pina, D. L
8. Bengston, V. L
9. Sabatelli, R. M
10. Pigo, E. F
11. Utne et al
12. Hess, J. A
13. Larson et al
14. Schafer, R. B
15. Bryant, A
16. Dynton

همان‌طور که ذکر شد، یکی از اصلی‌ترین فرض‌های نظریه‌ی برابری این است که افراد در موقعیت‌هایی که احساس ناعادلانه‌ای کنند، آشفتگی و نارضایتی بیش‌تری را در مقایسه با افرادی که احساس عادلانه‌ای دارند احساس می‌کنند. بر مبنای این فرض تحقیقات گسترده‌ای انجام شده‌است، برای مثال وان پیرن و همکارانش (۱۹۹۰) در مطالعه‌ی طولی خود بر روی ۷۳۶ فرد متأهل به این نتیجه رسیدند که افراد در روابط عادلانه، دارای رضایت زناشویی بیش‌تری از افراد در روابط ناعادلانه هستند. نکته جالبی که در این تحقیق به آن اشاره شده، این است که به شکل محتاطانه‌ای می‌توان ارتباط بین رضایت و عدالت را علی‌دانست. در مطالعه‌ای بنجامین^۱ (۲۰۰۴)، به این نتیجه رسیده است که برای همه‌ی افراد در نژادهای مختلف آمریکایی عدالت در روابط زناشویی، یک ملاک معناداری برای بالا بودن کیفیت زناشویی است. او هم‌چنین در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که زنان ناعدالتی بیش‌تری را نسبت به مردان در روابط زناشویی خود احساس می‌کنند.

کاریرو^۲ (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود به بررسی رابطه‌ی رضایت زناشویی و احساس عدالت در مسؤولیت‌های درون خانوادگی پرداخته است و به این نتیجه دست یافت که بین این دو متغیر هم برای زنان و هم برای مردان رابطه مثبتی وجود دارد ولی زنان ناعدالتی بیش‌تری را نسبت به مردان در تقسیم مسؤولیت‌های خانوادگی احساس می‌کنند.

از آن‌جایی که بافت اجتماعی جامعه ما متفاوت با دیگر جوامع خصوصاً جوامع غربی و بیشتر این تحقیقات در کشورهای غرب انجام گرفته است، لذا این پژوهش به شناخت بیشتر نقش عدالت در رضایت و نارضایتی بین زوجین در ایران خاصه شهر بندرعباس کمک می‌کند. به طور کلی این پژوهش به بررسی و مقایسه عدالت زناشویی بین زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض براساس تفکیک جنسیت (زن و مرد) در شهر بندرعباس می‌پردازد.

سؤال اصلی پژوهش این است که آیا عدالت و مولفه‌های عدالت بین زوجین رضایت‌مند و زوجین دارای تعارض زناشویی براساس تفکیک جنسیت (زن و مرد) متفاوت است؟

روش

طرح این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی و علی-مقایسه‌ای است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی زوجین مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره و زوجین شرکت کننده در کارگاه‌های آموزش خانواده بهزیستی شهر بندرعباس در فاصله‌ی زمانی اردیبهشت تا مهر ۸۹، می‌باشد. از آن‌جایی که در این پژوهش امکان نمونه‌گیری

^۱. Benjamin, J.P

^۲. Carriero, R

تصادفی وجود نداشته، لذا با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۶۵ زوج از شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های آموزش به صورت فرضی به عنوان زوجین رضایت‌مند و ۶۵ زوج از مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره به صورت فرضی به عنوان گروه زوجین دارای تعارض انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها پس از گرفتن مجوزهای لازم و حضور در مراکز مشاوره و کارگاه‌های آموزشی و جلب رضایت مسؤلین و زوجین مراجعه‌کننده، پرسشنامه‌های پژوهش به زوجین داده شد و سعی شد زن و شوهر جداگانه آن را تکمیل کنند. از آنجا که زوجین رضایت‌مند و متعارض به صورت فرضی انتخاب شده بودند، لازم بود برای شناخت دقیق‌تر وضعیت رضایت‌مندی آن‌ها نمرات کسب شده، در شاخص رضایت زناشویی محاسبه شود که محقق پس از جمع‌آوری داده‌ها از این طریق این دو گروه را تفکیک نموده است. علاوه بر آن زوجینی که یکی از آنها رضایت‌مند و دیگری دارای تعارض شناخته شده بود و همچنین زوجینی که فرزندی نداشتند^۱ از جریان تحلیل حذف شدند. جهت حذف متغیرهای مداخله‌گر، دو گروه دارای تعارض و رضایت‌مند از نظر سطح تحصیلات، سن، تعداد فرزند و شغل، به عنوان متغیرهای تاثیرگذار در رضایت و تعارض زناشویی همگن شد و در پایان به شکل مساوی ۵۰ زوج به عنوان گروه رضایت‌مند و ۵۰ زوجین به عنوان گروه دارای تعارض تفکیک شدند.

ابزار

پرسشنامه‌ی عدالت زناشویی. پرسشنامه‌ی عدالت زناشویی ساخته‌ی محقق در این پژوهش، پرسشنامه‌ی ۲۶ سؤالی است و اقتباسی از چهار پرسشنامه‌ی استفاده شده در تحقیقات پیشین می‌باشد. این پرسشنامه که به صورت چندآیتمی ساخته شده است، دارای ۴ خرده‌مقیاس بوده، و در سوالات هر خرده‌مقیاس دو سری سوال که یکی مفهوم برابری و دیگری احساس انصاف را در رابطه می‌سنجد. خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه شامل «عدالت در تقسیم مسؤلیتهای خانواده»، «عدالت در تقسیم قدرت»، «عدالت در احترام به اطرافیان یکدیگر»، «عدالت در توجه به نیازهای یکدیگر» می‌باشد. نمره‌گذاری در این پرسشنامه با مقیاس لیکرت و در یک طیف ۳+ تا ۳- تقسیم بندی می‌شود که هر چه نمرات به ۳+ نزدیکتر باشد، رابطه از نظر فرد برای دیگری ناعادلانه‌تر و هر چه نمرات به ۳- نزدیکتر باشد، رابطه برای خود فرد ناعادلانه‌تر به نظر می‌رسد و نمره‌ی بین ۰/۵- و ۰/۵+ نیز نشان دهنده‌ی عادلانه بودن رابطه است. همان‌طور که در تحقیقات مختلف اشاره شده است، با وجود اینکه برخی روابط برابر نیست ولی عادلانه به نظر می‌رسد، به این خاطر محققان مختلف متغیر عدالت را در سنجش عادلانه بودن روابط رواتر از مفهوم برابری می‌دانند (ثیبولت، کلی، ۱۹۵۹؛ فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۳؛ بنجامین، ۲۰۰۶؛ هاتفیلد و همکاران، ۲۰۰۸). لذا محقق در این تحقیق متغیر عدالت را وارد تجزیه و تحلیل نموده است. محقق برای یه‌دست آوردن روایی

^۱. از آنجا که در پرسشنامه عدالت زناشویی در مولفه‌ی عدالت در تقسیم مسؤلیت‌های خانواده دو سؤال به فرزندان اختصاص دارد زوجین بدون فرزند از فرایند تحلیل حذف شده‌اند.

صوری و محتوای پرسشنامه ابتدا آن را در اختیار منحصمان حوزه خانواده در داخل کشور قرار داده است و از بین آن‌ها ۱۰ نفر روایی پرسشنامه را تایید و پیشنهاداتی جهت کامل و بهتر شدن آن ارائه کردند که مورد استفاده قرار گرفت. سپس جهت کسب نظر به دکتر هاتفیلد ارسال گردید، ایشان نیز پیشنهاداتی برای بهتر شدن آن داشتند که لحاظ گردید. پایایی این پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۰ و برای خرده مقیاس‌های عدالت در تقسیم مسئولیت‌های خانواده، ۰/۷۶، عدالت در تقسیم قدرت، ۰/۸۲، عدالت در احترام به اطرافیان یکدیگر، ۰/۸۱ و عدالت در توجه به نیازهای یکدیگر ۰/۸۱ به دست آمده است.

پرسشنامه‌ی (شاخص) رضایت زناشویی هودسن. شاخص رضایت زناشویی که توسط هودسن (۱۹۹۲) تهیه

شده است، یک ابزار ۲۵ سؤالی است که برای اندازه‌گیری میزان، شدت یا دامنه مشکلات زن و شوهر در رابطه‌ی زناشویی تدوین شده، دارای روایی سازه‌ای خوبی است و با مقیاس‌هایی که نباید همبستگی داشته باشد، همبستگی ضعیفی دارد (صداقت، ۱۳۸۱) و هم‌چنین با چندین مقیاس که باید همبستگی خوبی داشته باشد، مانند مقیاس رضایت جنسی و رضایت زناشویی اینریچ همبستگی معناداری نشان می‌دهد (ثناپی، ۱۳۷۹). شاخص رضایت زناشویی با ضریب همبستگی ۰/۹۶ در بازآزمایی دوساعته از یک اعتبار کوتاه‌مدت عالی برخوردار بوده است. پایایی این آزمون نیز از طریق آلفای کرونباخ توسط ثناپی (۱۳۸۷)؛ ابراهیم نژاد (۱۳۸۱)؛ حقیقی (۱۳۸۹) و خود محقق بالاتر از ۰/۷۶ به دست آمده که نشان دهنده همسانی درونی آن است. پاسخ‌ها در یک طیف ۷ لیکرتی از هیچ‌گاه و همیشه تنظیم شده است و نمره‌گذاری آن نیز به این شکل است که نمرات ۳۵ به پایین نشانه‌ی عدم مشکلات مهم بالینی در رابطه و نمرات ۳۵ به بالا دلالت بر وجود مشکلات بالینی قابل ملاحظه دارد (ثناپی، ۱۳۷۹).

همان‌طور که ذکر شد، ابتدا زوجها با توجه به نمره آزمون رضایت زناشویی به دو گروه رضایت‌مند و دارای تعارض تقسیم شدند، پس از آن به دلیل آن که مقایسه‌ی میانگین بیش از دو گروه (زن و مرد؛ رضایت‌مند و دارای تعارض) مد نظر بوده، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده شده است. سطح معناداری $P < / 0.05$ در نظر گرفته شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS 16 استفاده شده است.

یافته‌ها

ویژگیهای جمعیت شناختی زوج‌های شرکت‌کننده در این پژوهش نشان داد که در متغیر سطح تحصیلات، ۱۹٫۵ درصد از زوجین رضایت‌مند و ۲۳ درصد از زوجین دارای تعارض تحصیلات بالاتر از دیپلم و بقیه نیز دیپلم و پایین‌تر را دارا بودند. در متغیر طول زناشویی نیز به ترتیب ۲۰ و ۱۹ درصد از زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض ۱ تا ۵ سال؛ ۱۸ و ۱۷ درصد تا ۱۰ سال و ۱۲٫۵ و ۱۵ درصد، بالاتر از ۱۱ سال از طول زناشویی‌یشان می‌گذشته است. در متغیر شغل در گروه مردان رضایت‌مند، ۲۸ درصد از افراد کارمند؛ ۱۸ درصد آزاد و ۴ درصد کارگر بودند و در گروه مردان دارای تعارض نیز ۲۹ درصد از افراد کارمند؛ ۱۹ درصد آزاد؛ و ۲ درصد نیز کارگر بودند. در گروه زنان رضایت‌مند، ۱۲ درصد از افراد کارمند؛ ۴ درصد کارگر و ۳۶ درصد کارگر بودند و در زنان دارای تعارض نیز ۱۹ درصد از افراد کارمند؛ ۷ درصد کارگر و ۲۴ درصد نیز خانه‌دار بودند.

جدول شماره ۱ یافته‌های توصیفی دیگر از جمله میانگین و انحراف معیار نمرات افراد شرکت‌کننده در پژوهش را در مقیاس عدالت زناشویی، به تفکیک گروه و جنسیت نشان می‌دهد. عدالت و مولفه‌های آن در بین زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض و هم‌چنین در بین زنان و مردان مورد مقایسه قرار گرفته که نتایج آن در جدول ۲ و ۳ آمده است. در مولفه‌ی عدالت همان‌طور که مشاهدات جدول ۱ نشان می‌دهد، برحسب متغیر مستقل نوع زوجین، بین زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض تفاوت معناداری وجود دارد ($F=۶۷۴/۲۹۷$, $P=۰/۰۱$) و براساس متغیر مستقل جنسیت نیز بین زن و مرد تفاوت معناداری دیده می‌شود ($F=۴۹/۳۲۲$, $P=۰/۰۱$). اثر تعاملی بین جنسیت و نوع گروه نیز در عدالت معنادار می‌باشد ($F=۲۵/۰۷۳$, $P=۰/۰۱$). به شکل کلی می‌توان گفت که دو اثر اصلی و اثر تعاملی نوع و گروه وقتی با هم وارد تحلیل شده‌اند، در متغیر عدالت تفاوت معناداری نشان داده است. که این یافته‌ها پاسخ سؤال اول پژوهش می‌باشد.

جدول ۱ - میانگین و انحراف معیار نمرات عدالت زناشویی، به تفکیک گروه و جنسیت

متغیرها	عدالت		عدالت در تقسیم مسئولیت‌ها		عدالت در تقسیم قدرت		عدالت در احترام به اطرافیان		عدالت در توجه به نیازها		جنسیت	گروه
	S.D	M	S.D	M	S.D	M	S.D	M	S.D	M		
	۰/۲۳	۳/۸۵	۰/۳۸	۳/۸۶	۰/۳۲	۳/۷۰	۰/۵۴	۳/۷۹	۰/۲۸	۳/۹۹	زن	
زوجین رضایتمند	۰/۳۰	۳/۹۵	۰/۳۰	۴	۰/۶۷	۳/۸۸	۰/۴۱	۳/۹۶	۰/۳۶	۴	مرد	
مجموع	۰/۲۷	۳/۹۰	۰/۳۵	۳/۹۳	۰/۵۳	۳/۷۹	۰/۴۸	۳/۸۷	۰/۳۲	۳/۹۹		
	۰/۶۹	۲/۸۵	۰/۶۹	۲/۷۴	۰/۶۹	۲/۵۶	۰/۶۹	۳/۱۵	۰/۶۹	۲/۹۸	زن	
زوجین دارای	۰/۳۱	۳/۴۳	۰/۴۲	۳/۷۲	۰/۳۹	۳/۷۶	۰/۶۰	۳/۵۰	۰/۵۱	۳/۱۰	مرد	
تعارض	۰/۴۹	۳/۱۴	۰/۷۲	۳/۲۳	۰/۸۱	۳/۱۶	۰/۷۲	۳/۳۲	۰/۵۱	۳/۰۴	مجموع	
	۰/۶۲	۳/۵۵	۰/۷۵	۳/۳۰	۰/۷۷	۳/۱۳	۰/۷۵	۳/۴۷	۰/۶۵	۳/۴۹	زن	
مجموع	۰/۴۰	۳/۶۹	۰/۳۹	۳/۸۶	۰/۵۵	۳/۸۲	۰/۵۶	۳/۷۳	۰/۶۲	۳/۵۵	مرد	

جدول ۲ - تحلیل واریانس دو راهه نوع گروه (رضایتمند و دارای تعارض) و جنسیت (زن و مرد) بر عدالت

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	سطح معنی داری
نوع (رضایتمند و دارای تعارض)	۲۸,۵۸۸	۱	۲۸,۵۸۸	۶۷۴/۲۹۷	۰/۰۱
جنسیت (مرد و زن)	۵/۷۰۲	۱	۵/۷۰۲	۴۹/۳۲۲	۰/۰۱
اثر تعامل (جنسیت و نوع گروه)	۲/۸۹۸	۱	۲/۸۹۸	۲۵/۰۷۳	۰/۰۱

جدول ۳. تحلیل واریانس دو راهه گروه (رضایت‌مند و دارای تعارض) و جنسیت (زن و مرد) بر مولفه‌های عدالت

مؤلفه‌های عدالت	منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
عدالت در تقسیم مسؤلیت‌ها	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۲۴/۵۳۳	۳	۲۴/۵۳۳	۱۲۲/۰۹۱	۰/۰۱
	جنسیت (زن و مرد)	۱۵/۷۰۶	۱	۱۵/۷۰۶	۷۸/۱۶۴	۰/۰۱
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۸/۵۲۳	۱	۸/۵۲۳	۴۲/۴۱۶	۰/۰۱
عدالت در تقسیم قدرت	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۲۰/۰۵۶	۱	۲۰/۰۵۶	۶۸/۸۶۱	۰/۰۱
	جنسیت (زن و مرد)	۲۳/۵۷۶	۱	۲۳/۵۷۶	۸۰/۹۴۷	۰/۰۱
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۱۳/۱۷۶	۱	۱۳/۱۷۶	۴۵/۲۳۸	۰/۰۱
عدالت در احترام به اطرافیان	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۱۵/۱۲۵	۱	۱۵/۱۲۵	۴۰/۸۳۹	۰/۰۱
	جنسیت (زن و مرد)	۳/۳۸۰	۱	۳/۳۸۰	۹/۱۲۶	۰/۰۰۳
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۴/۰۵	۱	۴/۰۵	۱/۰۹۴	۰/۲۹۷
عدالت در توجه به نیازها	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۴۵/۳۱۵	۱	۴۵/۳۱۵	۲۲۴/۱۲۱	۰/۰۱
	جنسیت (مرد و زن)	۲/۰۵	۱	۲/۰۵	۱/۰۹۴	۰/۲۹۷
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۱/۸۰	۱	۱/۸۰	۱/۰۹۶۲	۰/۳۲۸

در مورد سوال دوم پژوهش همان‌طور که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است، برحسب متغیر مستقل نوع زوجین تفاوت معناداری در عدالت و هر چهار مولفه‌ی عدالت در تقسیم مسؤلیت‌های خانواده؛ عدالت در تقسیم قدرت، عدالت در احترام به اطرافیان و عدالت در توجه به نیازهای یکدیگر وجود دارد و زوجین دارای تعارض عدالت کمتری را نسبت به زوجین رضایت‌مند نشان داده‌اند. براساس متغیر مستقل جنسیت، در عدالت در تقسیم مسؤلیت‌های خانواده، عدالت در تقسیم قدرت و عدالت در احترام به اطرافیان معنادار بوده، زنان نارضایتی بیش‌تری را نسبت به مردان احساس می‌کنند. اثر تعاملی بین جنسیت و نوع گروه، در عدالت در تقسیم مسؤلیت‌های خانواده و عدالت در تقسیم قدرت نیز معنادار می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه عدالت زناشویی و مولفه‌های آن در بین دو گروه رضایت‌مند و دارای تعارض براساس تفکیک جنسیت (زن و مرد) بوده است. یافته‌های پژوهشی حاصل از تحلیل واریانس چند متغیری نشان می‌دهد، بین زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی در میزان عدالت تفاوت معناداری وجود دارد، یعنی زوجین دارای تعارض، عدالت کمتری را نسبت به زوجین رضایت‌مند در روابط زناشویی خود احساس می‌کنند. علاوه بر آن، نشان داده شد که عدالت در بین زنان و مردان نیز به طور معناداری متفاوت بوده است. این یافته‌ها با نتایج وان پیرین و بوانک (۱۹۹۰) که در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که افرادی که در روابط خود احساس ناعادلانه‌ایی دارند نسبت به افرادی که عدالت بیشتری را در روابط خود احساس می‌کنند، رضایت کمتری را تجربه می‌کنند همسو می‌باشد. در این پژوهش محققان بین عدالت و رضایت زناشویی رابطه‌ی علی برقرار کردند و فرض را بر این گذاشتند که عدالت باعث ایجاد رضایت در رابطه می‌شود. بنجامین (۲۰۰۶)، نیز در تحقیقی دیگر به این نتیجه دست یافته است که عدالت در بین افراد دارای تعارض کم‌تر از افراد رضایت‌مند می‌باشد. علاوه بر آن وی به این نتیجه رسید که به دلیل ارتباط بالای عدالت و رضایت می‌توان ارتباط آن را علی فرض کرد. هاتفیلد و همکاران (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود دریافتند که زوجین دارای تعارض نسبت به زوجین رضایت‌مند عدالت کمتری را در روابط خود احساس می‌کنند. علاوه بر آن، وان پیرین و بوانک (۱۹۹۴)، فریسکو و ویلیامز (۲۰۰۲) و بنجامین (۲۰۰۶)، نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست پیدا کردند که احساس عدالت در بین مردان و زنان به شکل معنادری متفاوت است و زنان در مورد ناعادلانه بودن روابط شکایت‌های بیشتری دارند.

در مورد مولفه‌های عدالت نیز یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، در مولفه عدالت در تقسیم مسئولیتهای خانواده؛ عدالت در تقسیم قدرت؛ عدالت در احترام به اطرافیان و عدالت در توجه به نیازهای یکدیگر تفاوت معناداری در بین گروه رضایت‌مند و دارای تعارض وجود دارد و افراد دارای تعارض احساس ناعادلانه بودن بیشتری در رابطه‌ی زناشویی خود نشان داده‌اند. هم‌چنین یافته‌های پژوهش نشان داده است که در سه مولفه عدالت در تقسیم مسئولیتهای خانواده، عدالت در تقسیم قدرت، عدالت در احترام به اطرافیان یکدیگر تفاوت معناداری در بین زن و مرد وجود داشته، در این سه مولفه زنان احساس ناعادلانه بودن بیشتری را نسبت به مردان احساس می‌کنند. در خصوص مولفه عدالت در مسئولیتهای خانواده یافته‌های ما با یافته‌های فریسکو و ویلیامز (۲۰۰۲)؛ گرینستین (۲۰۰۹) و کاریو (۲۰۱۱) که در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که افراد دارای تعارض و زنان احساس ناعادلانه بودن بیشتری را نسبت به افراد رضایت‌مند و مردان در تقسیم مسئولیتهای خانواده در روابطشان نشان داده‌اند همسو بوده است.

یافته‌های ما در خصوص متغیر عدالت در تقسیم مسؤلیت‌های خانواده در ایران با یافته‌های رجیبی و همکاران (۱۳۹۰)، که به این نتیجه دست پیدا کرده‌اند که زوجینی که همسران آن‌ها ایدئولوژی تساوی‌گرایانه‌ای نسبت به مسؤلیت‌های درون خانوادگی داشته‌اند کیفیت زناشویی بالاتری نشان می‌دهند و همچنین یافته‌های قبادی و همکارانش (۱۳۹۰) که در تحقیق خود بین احساس ناعدالتی در تقسیم کارهای خانوادگی و نارضایتی زناشویی در بین زنان ارتباط مثبتی یافته‌اند، همسو بوده است. در خصوص مولفه‌ی عدالت در تقسیم قدرت نیز یافته‌های ما با یافته‌های تانگ^۱ (۱۹۹۹)؛ پیمتال^۲ (۲۰۰۰)؛ آسوده و همکاران (۲۰۱۰) و بولاندا^۳ (۲۰۱۱) که در پژوهش‌های خود به این نتایج دست یافتند که افراد در روابطی که احساس کنند قدرت (سهم فرد در تصمیم‌گیری) به شکل ناعادلانه‌ای تقسیم شده است احساس نارضایتی می‌کنند و این که زنان احساس ناعادلانه بودن بیش‌تری را در تقسیم قدرت نشان داده‌اند، همسو بوده است. در تبیین یافته‌های فوق در خصوص عدالت و همه مولفه‌های آن از دیدگاه نظری می‌توان گفت که براساس نظریه‌ی برابری، وقتی افراد احساس کنند سود بیش‌تری دریافت و هزینه کمتری ارائه کرده‌اند، یا به عبارتی چیزی بیش‌تر از حق خود دریافت کرده‌اند و وقتی سود کمتری دریافت و هزینه بیش‌تری ارائه کرده‌اند یا به عبارتی چیزی کمتر از حق خود دریافت کرده‌اند دچار نارضایتی و پریشانی می‌شوند (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر نیز می‌توان گفت افرادی که بتوانند فعالیت‌های خود را کم یا مساوی کنند و هم چنین افرادی که بتوانند منافع بیشتر و یا مساوی در رابطه بدست آورد احساس رضایت‌بخش پیدا می‌کنند و بالعکس اگر افراد فعالیت بیشتر و منافع کمتری داشته و به دست آورند دچار پریشانی و نارضایتی در روابط خود می‌شوند (سویچر^۴، ۱۹۹۱).

از طرف دیگر در همسویی یافته‌های فوق با دیدگاه نظری می‌توان گفت، نظریه‌ی قدرت در چهارچوب نظریه‌ی برابری پیش‌بینی کرده است افرادی که در روابط خود احساس ناعادلانه نسبت به تقسیم قدرت دارند احساس نارضایتی می‌کنند. از نتایج دیگر این پژوهش این بود که میزان عدالت در بین زنان و مردان در همه‌ی مولفه‌های عدالت به جز توجه به نیازها معنادار بوده، زنان بیشتر از مردان احساس ناعادلانه‌ای نشان داده‌اند. در ارتباط با این یافته نیز نظریه برابری و نظریه‌ی قدرت بر این اعتقاد است که امروزه الگوهایی از جمله تقسیم مسؤلیت‌ها، تقسیم منافع، تقسیم قدرت در خانواده و روابط زناشویی تغییر کرده‌اند ولی با این وجود، تغییرات مشابهی در ساختار خانواده و باورهای جنسیتی در مورد تقسیم قدرت، تقسیم مسؤلیت‌ها به وجود نیامده است که این خود باعث ایجاد نارضایتی در بین زوجین، خصوصاً زنان شده است (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۱۱). اثر تعاملی نیز بین جنسیت (زن و مرد) و نوع گروه (رضایت‌مند و دارای تعارض) در عدالت و دو

1. Tang, C. S-K

2. Pimentel, E. E

3. Bulanda JR

4. Suitor J. J

مولفه‌ی عدالت در تقسیم مسؤلیتهای خانواده، عدالت در قدرت معنادار می‌باشد. اثر تعاملی در عدالت و مولفه‌های عدالت به این معناست که هم زنان رضایت‌مند و هم زوجین متعارض عدالت کمتری را نسبت به مردان احساس می‌کنند ولی این تفاوت در بین زوجین دارای تعارض بیشتر است و می‌توان از این نتایج چنین استنباط کرد که عدالت بیشتر در نارضایتی زنان تاثیر داشته و متغیری تاثیر گذاری در ایجاد نارضایتی مردان نبوده است.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد که باعث کاهش تعمیم‌پذیری آن نیز شده است. از محدودیت‌های دیگر پژوهش تعارض زیاد برخی زوج‌ها و در شرف طلاق بودن آن‌ها بود که بهتر بود در سه گروه رضایت‌مند، متعارض و در شرف طلاق مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گرفتند. از یک سوی به این دلیل که بیشتر افراد شرکت کننده در کارگاه آموزش خانواده و مراکز مشاوره، تحصیل کرده و در فاصله سنی ۲۲ تا ۳۲ بودند و از سوی دیگر به دلیل تاثیر گذار بودن نقش دوره‌های تحولی خانواده و تحصیلات بر عدالت زناشویی (فریسکو و ویلیامز، ۲۰۰۲)، این عوامل نیز می‌تواند مورد لحاظ قرار گیرد که در این تحقیق لحاظ نشده است.

به طور کلی با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان چنین گفت که در ایران شاهد تغییراتی در ساختار خانواده، همچون تغییر در الگوهای تقسیم مسؤلیت و قدرت و افزایش تساوی‌گرایی در زنان بوده‌ایم، اما هنوز باورهای جنسیتی در مورد نقش زنان در خانواده، تغییر مشابه و همراستایی نداشته‌اند. این عامل موجب ایجاد احساس ناعدالتی و به تبع آن نارضایتی در زوجین خصوصاً زنان شده است.

منابع

احمدی، احمد، شرفی، محمد رضا، و خوشبین، سهیلا. (۱۳۸۸). **دانش خانواده**. تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.

آسف‌زاده، سعید. (۱۳۸۵). **اقتصاد خانواده**. تهران: نشر حدیث امروز.

ثنایی، باقر. (۱۳۷۹). **مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج**. تهران: انتشارات بعثت، چاپ اول.

رجبی، غلامرضا؛ قربانی، فردین؛ خجسته‌مهر، رضا (۱۳۹۰). **بررسی رابطه‌ی ایدولوژی‌های جستی، نقش‌های زناشویی، هوش هیجانی و کیفیت زندگی**. فصل‌نامه مشاوره و خانواده درمانی، ۱(۱)، ۳۹-۵۳.

رسولی، محسن؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). **رابطه بین الگوهای ارتباط زوجهای دانشجویان و الگوهای ارتباط والدین آنها**. تحقیقات زنان، ۲(۴)، ۸۳-۹۹.

فربد، محمدصادق. (۱۳۸۱). **درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی**. تهران: پشتون

قبادی، کاوه؛ دهقانی، محسن؛ منصور، لادن؛ عباسی، مریم. (۱۳۹۰). **تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از آن و رضایت زناشویی**. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۲۶، ۷۸-۹۸.

نظری، علی محمد. (۱۳۸۸). **مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی**. تهران: انتشارات نشر علم، چاپ دوم. ۱۹-۴۳

مرکز آمار و اطلاعات زنان. **آمار افراد شاغل به تفکیک جنسیت**، ۱۳۸۹، www.iranwomen.ir

Asoode. M. H., Khalili, S., Daneshpour., M., Lavasani., M. (2010). Factors of successful marriage: Accounts from self described happy Couples. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 5 (2010), 2042-2046

Aumer-Ryan, K., Hatfield, E., & Frey, R. (2007). Examining Equity theory across cultures. *Interpersonal: An International Journal on Personal Relationships*. www.interpersona.org.

Benjamin, J.P. (2004). The relationship between equity and marital quality among Hispanics, African Amrriaa s ddd Caaaaaii an.. *Presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy: The Ohio State University*.

Bird, C. E. (1999). Gender, household labor, and psychological distress: The impact of the amount and division of housework. *Journal of Health and Social Behavior*, 40, 32-45.

Brody, G. H., Stoneman, Z., & McCoy, J. K. (1994). Forecasting sibling relationships in early adolescence from child temperaments and family processes in middle childhood, *Child Development*, 65, 771- 784.

Bryant, A .S. (2001). Relationships between domestic violence, abuse, and gender-equity perceptions: A study of the Appalachian region of Kentucky. *Presented for the degree of doctor of social physiology Ed.D: University of Louisville*.

Bulanda JR. (2011). Gender, marital power, and marital quality in later life. *J Women Aging*. 23(1), 3-22.

Carriero, R., (2011), Perceived fairness and satisfaction with the division of housework in Italy, *Marriage & Family Review*. 24(1), 3-12.

Concise Oxford English Dictionary. (2004), *Oxford University Press*.

Dainton, M. (2003). Equity and Uncertainty in relational maintenance. *Western Journal of communication*, 67, 164° 186.

- Dmna-rrr oooS & D zzzaa rt zzzzC. (2010). Gender inequalities and the role money in Spanish dual income couple. *European societies*, 12(1), 65-84.
- Dew. J, Wilcox,W. B. (2011). If Momma Ain't Happy: Explaining Declines in Marital Satisfaction among New Mothers, *Journal of Marriage and Family*, 1 – 12
- Davies, P. T., & Cummings, E. M. (1994), Marital conflict and child adjustment: An emotional security hypothesis. *Psychological Bulletin*, 116, 387-411.
- Erel, O., & Burman, B. (1995) Interrelatedness of marital relations and parent- child relations: A meta- analytic review, *Psychological Bulletin*, 118, 108-132.
- Floyd, F. J., & Wasner, G. H. (1994). Social exchange, equity, and commitment: Structural equation modeling of dating relationships. *Journal of family psychology*, 8, 55-73.
- Frisco , M. L., & Williams, k. (2003). Perceived housework equity, marital happiness, and divorce in dual-earner households. *Journal of family issues*, 24(1), 51-73.
- Gove, W. R., Hughes, M., & Style, C. B. (1983). Does marriage have positive effects on the psychological well-being of the individual? *Journal of health and social behavior*, 24, 122–131.
- Greenstein, T., (2009), National Context, Family Satisfaction, and Fairness in the Division of Household Labor', *Journal of Marriage and Family*, 71(4), 1039-1051.
- Gry,,, J. H., & ii hhhmm .. D. (0000) aa ritll Cfff litt ddd iii lrr e s adjuttmttt : A cognitivecontextual framework *Psychological Bulletin*, 108, 267-290.
- Hatfield, E. & Rapson, R. L. (2011). Equity theory in close relationships. In A. W. Kruglanski, E. T. Higgins, & P. A. M. Van Lange (Eds.), *Handbook of theories of Social Psychology* , London: *Glyph International*, 200-217
- Hatfield, E. (2009). Equity theory. In Harry Reis & Susan Sprecher (Eds), *Encyclopedia of human relationships*, Thousand Oaks, CA: SAGE, 535-537
- Hatfield, E., Greenberger, D., Traupmann, J., & Lambert, P. (1982). Equity and sexual satisfaction in rccett ly mrrric colll ss.. *Journal of sex research*, 18, 18-32.
- Hatfield, E., Salmon, M., & Rapson, R. L. (2011). Equity theory and social justice. *Journal of Management, Spirituality, and Religion*, 8, 101-121.

- Hatfield, E., Traupmann, J., & Walster, W. (1979). Equity and extramarital sex. In M. Cook & G. Wilson (Eds.), *Love and attraction: An international conference*. Oxford: Pergamum, 309-321
- Hess, Jon A., Pollom, Laura H. and Fannin, Amy D. (2009). How Much Do we really know About Equity's Impact on Relational Communication? Issues in measuring equity in communication research'. *Communication methods and measures*. 3(3), 173-194.
- Herrtt, .. A., & Drrrr ty, (5555). dddddd oowrr, ddd intimccy.. *Journal of feminist family therapy*, 63-85.
- Hlll ih,,, ..,,, aakk,,, J., & Rggrr,, T. R. (1000). cccc ision making of satisfied and dissatisfied married couples. *JJ Jaaaaaff ooi al ssccoolyyy 0 0000)9 99102*.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method, and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
- rrr nn, J. H., Hmnn,,, C. H., & Hrrer, J. .. (8888). Prrcii vdd eiii ty ddd Itt imccy in mrrrigg . *Journal of marital and family therapy*, 24, 487-498.
- wwrr, (8888)8uuuuity trrrr y ss a rrdictrr of rrrccctivity ddd wrk llll ity.. *Psychological Bulletin*, 70, 596-610.
- ii hheel,, ..,,, wwrr,,, .. N., & Accek, A. C. (9984). SStt iffctinn in intimt e relatinniii ss as a function of inequality, inequityo ooo oomns.. *Social Psychology Quarterly*, 47, 347-357.
- Murstein, B. I., Cerreto, M & MacDonald, M. G. (1977). A Theory and Investigation of the effect of exchange- orientation on marriage and friendships. *Journal of marriage and the family*, 39, 543-548.
- O rrr rlll, T. J., Cheeee tt,, K. A., & Birlll rr, G. R. (1111)1Saaaa l aatisfctinn add ii ssatiffatt inn in the marital relationships of male alcoholics seeking marital therapy, *Journal of stud. Alcohol*, 52, 441-447.
- Pimentel, E. E. (2000). Just How I Love Thee: Marital Relations in Urban China. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 32-47.
- Pina, D. L., & Bengston, V. L. (1993). The division of household labor and wives happiness: Ideology, employment, and perceptions of support. *Journal of Marriage and the Family*, 55, 901-912.
- Sabatelli, R. M., & Cecil-Pigo, E. F (1985). Relational interdependence and commitment in marriage. *Journal of Marriage and the Family*, 47, 931-937.

- Schafer, R. B., & Keith, P. M. (1980). Equity and depression among married couples. *Social psychology quarterly*, 43, 430-450.
- Schmaling, K. B., & Sher, T. G. (1997) Physical health and relationships, In W. K. Halford & H. J. Markman (Eds.), *Clinical Handbook of Marriage and Couples Intervention London, Wiley*,
- Steil, J. M. (1997). Marital equality: Its relationship to the well-being of husbands and wives. Thousand Oaks, CA: *Sage Publications*.
- Suitor J. J(1991), Marital Quality and Satisfaction with the Division of Household Labor across the Family Life, *Journal of Marriage and Family*, 53(1), 221-230.
- Tang, C. S. (1999). Marital power and aggression in a community sample of Hong-Kong Chinese families. *Journal of Interpersonal Violence*, 14, 586-602.
- Thibault, J. W., & Kelley, H. H. (1959). *The Social Psychology of Groups*. New York, NY: *Wiley*.
- Utne, M. K., Hatfield, E., Traupmann, J., & Greenberger, D. (1984). Equity, marital satisfaction, and stability. *Journal of social and personal relationships*, 1, 323-332.
- Van Yperen, N. W., & Buunk, B. P. (1990). A longitudinal study of equity and satisfaction in intimate relationships. *European Journal of Social Psychology*, 20, 287-309.
- VanYperen, N. W., and Buunk, B. P. (1994). Social comparison and social exchange in marital relationships. in entitlement and the Affection Bond: justice in close relationships, edited by M. J. Lerner and G. Mikula. *New York: Plenum Press*.
- Walster, E. Walster, G. W., & Berscheid, E. (1978). Equity: Theory and research. *Boston: Allyn and Bacon*.
- Webster, C., Rice. S. (1996), Equity Theory and the power structure in a marital relationship, in *Advances in Consumer Research* Volume 23, eds. Kim P. Coffman and John G. Lynch Jr., Provo, UT: *Association for Consumer Research*, 491-497.